مروری بر فعالیت‌های بی‌نتیجه شهرداری پایتخت در ساماندهی آسیب‌های اجتماعی

پاتوقی به بزرگی تهران

شرق: شهردار تهران می‌خواهد دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور آسیب‌های اجتماعی شود. او از همان روزهای ابتدایی حضورش در شهرداری وعده داد که معتادان متجاهر را جمع‌آوری می‌کند. او بارها در سخنانش یادآوری کرد که زاده میدان شوش است و باید نگاه ویژه‌ای به مسائل و آسیب‌های جنوب شهر داشت. شهردار تهران با انتقاد از گذشتگان گفته بود تا به امروز شهرداری تهران مسئولیت خود را در حوزه اجتماعی نپذیرفته است، نزدیک ۲۱ هزار معتاد متجاهر در شهر تهران داریم و در کنار آن کودکان خیابانی که بخشی از کودکان کار هستند، وجود دارد و با مشکلات و معضلات دیگری نیز در ارتباط با تکدی‌گری ناشی از فقر روبه‌رو هستیم و قطعا شهرداری تهران در راستای رفع این آسیب‌ها اقدامات مؤثری را با مشارکت سایر بخش‌ها انجام می‌دهد. متأسفانه در سال‌های گذشته برخی از آقایان قائل به مسئولیت خود در حوزه آسیب‌های اجتماعی نبوده‌اند، اگرچه دستگاه‌های دیگر از جمله بهزیستی و... مسئولیتی در حوزه آسیب‌های اجتماعی دارند اما این مسئله منجر به سلب مسئولیت شهرداری نخواهد شد و از نگاه جدید همه باید دست به دست هم بدهیم تا این معضلات را برطرف کنیم. اما با گذشته بیش از ۲۲ ماه از حضور زاکانی در شهرداری و تشکیل مداوم جلسات قرارگاه اجتماعی چالش‌های اجتماعی آن‌طورکه باید کاهش پیدا نکرده است. شهرداری تهران معتقد است اگر اختیارات بیشتری در حوزه آسیب‌های اجتماعی داشت، به عملی‌شدن وعده‌هایش نزدیک‌تر می‌شد. به همین دلیل هم از دولت درخواست کرده که دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور آسیب‌های اجتماعی شود. برخی رسانه‌ها این درخواست را خداحافظی زاکانی با شهرداری برداشت کرده بودند که او در حاشیه جلسه دولت درباره جابه‌جایی به هیئت دولت گفته است: بحث جابه‌جایی نیست، یک محبتی است که جناب آقای رئیس‌جمهور به من دارند و در صورت تصویب در هئیت دولت بر عهده بنده می‌گذارد تا نوکری بیشتر برای کودکان خیابانی، متکدیان، معتادان متجاهر و آسیب‌های اجتماعی داشته باشیم. در صورت تصویب، این یک نمایندگی ویژه است که با حفظ سمت در شهرداری انجام می‌شود. او توضیح داده است: دستگاه‌ها کار خودشان را انجام می‌دهند، قرار نیست ما جای کسی کار کنیم. این موضوع هنوز مصوب نشده و باید در هیئت دولت مصوب شود. شهرداری تهران در همه دوره‌ها تلاش کرده نقش نخست در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد؛ از وعده تهران بدون گدا تا جمع‌آوری دوماهه معتادان متجاهر. سال ۹۴ بود که فرزاد هوشیار، مدیرعامل وقت سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های مردمی در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد متکدیان، معتادان متجاهر و کودکان کار سه گروهی هستند که شهرداری تهران برای ساماندهی آنها برنامه دارد. او از ارائه سند شهر بدون گدا خبر داد و گفت: این سند با همکاری قوه قضائیه، پلیس و شهرداری تهران به‌زودی اجرائی می‌شود، همچنین سند ساماندهی معتادان متجاهر تهیه شده و بر اساس آن ساماندهی این افراد نیز در دست اقدام است.

همان سال میثم امرودی، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران با بیان اینکه تا دو ماه آینده وضعیت میدان هرندی به شکل کنونی نخواهد بود، گفته بود: در صورتی که نوروز امسال وضعیت منطقه به همین شکل باقی ماند، اگر استعفا ندهم انسان صادقی نیستم. با وجود اعتبار خوبی که برای این حوزه در آن سال‌ها در نظر گرفته شد اما تغییر محسوسی در این حوزه رخ نداد. شهرداران بعدی هم در این حوزه وعده‌های زیادی دارند. سال ۹۷ بود که محمدعلی افشانی در اولین نشست خبری شهرداری تهران وعده داد: «تهران بدون متکدی» تا سال آینده محقق می‌شود. هرچند عمر مدیریتی این شهردار به زمان تعیین‌شده برای تحقق این وعده نرسید. آن زمان نشستی تخصصی در حوزه نقش شهرداری در کاهش آسیب‌های اجتماعی از سوی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران برگزار شد که پژوهشگران اجتماعی در آن جلسه تأکید کردند مسائل شهر تهران در تهران قابل حل نیست و کسانی که تصور می‌کنند این مسائل را می‌توان در شهر تهران حل کرد، ناآگاه هستند ترکیب مسائل شهر تهران چندوجهی، غیربومی و خارج از سازوکار کنترل اجتماعی است. عباس دیلمی‌زاده مدیر مؤسسه تولدی دوباره یکی از کارشناسان دعوت‌شده به این نشست هم گفته بود: انتظار داریم شهرداری در زمینه آسیب‌های اجتماعی هیچ کاری نکند. آنچه باعث شد محله هرندی دیده شود، دعوت از افراد مؤثر برای بازدید و جریحه‌دارکردن احساسات مسئولان بود که موجب شد مسئله‌ای ساخته شود و موجی راه بیفتد و همه بخواهند برای آن کار کنند. ولی‌الله شجاع‌پوریان که آن زمان معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران را بر عهده داشت، گفته بود شهرداری تهران در سال‌های گذشته در حوزه آسیب‌های اجتماعی اقدامات زیادی انجام داد. مشکلی که در فعالیت‌های گذشته شهرداری وجود داشت، این بود که شهرداری به سوپرمن تبدیل شده بود و تمام مسئولیت‌های مبارزه با آسیب‌های اجتماعی را پذیرفته بود. به همین دلیل امروز وقتی صحبت از آسیب‌های اجتماعی می‌شود، همه شهرداری را مسئول می‌دانند. به نظر می‌آید مدیران کنونی دوست دارند دوباره در این حوزه نقش سوپرمن را بازی کنند. آنها معتقدند که می‌توانند آسیب‌های اجتماعی در تهران را ساماندهی کنند اما مشکل نبود اختیارات است. محمدامین توکلی‌زاده، معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران درباره دلایل این درخواست می‌گوید: از همان روزهای نخست فعالیت شهرداری در دوره جدید تأکید داشتیم برای آنکه در حوزه آسیب‌های اجتماعی بتوانیم خدمات شایسته‌ای به شهروندان بدهیم، باید ۱۴ دستگاه متولی این حوزه در کنار هم قرار بگیرند. سال‌هاست مدیریت واحد شهری مطالبه اصلی مدیران شهری است تا به درستی به تکالیفشان عمل کنند که تاکنون به سرانجامی نرسیده است، تنها جایگزینی که در این مدت توانسته خلأ مدیریت واحد شهری را جبران کند، همین کار قرارگاهی بود و قرارگاه آسیب‌های اجتماعی شهر تهران بر همین اساس شکل گرفت و ثمرات خوبی هم داشت و همگی اذعان دارند که این کار قرارگاهی کار درستی بود و تمام دستگاه‌هایی که آمدند و شرکت کردند از اینکه در کنار هم قرارگرفته‌اند راضی هستند. او ادامه می‌دهد: خدماتی که در این حوزه داده شده قابل مقایسه با گذشته نیست که دلیل آن همین کنار هم قرارگرفتن است، ولی می‌دانیم کار قرارگاهی نمی‌تواند مدیریت واحد را کامل پوشش دهد؛ بنابراین شهردار تهران درخواستی از رئیس‌جمهور در هیئت دولت مطرح کردند تا بتوانند از رئیس‌جمهور تفویض اختیار بگیرند و در شهر تهران این قرارگاه و فرماندهی آن که خود شهردار تهران است، بتواند نظم‌دهی کند و تمام دستگاه‌ها به موقع و براساس نظم به وظایفشان عمل کنند. توکلی‌زاده درباره اینکه شهردار تهران اختیارات چه موضوعاتی را در حوزه آسیب‌های اجتماعی از رئیس‌جمهور درخواست کرده است هم می‌گوید: چند عنوان مشخص در این درخواست است از جمله معتادان متجاهر و کودکان کار و... .

او درباره تجربه‌های شکست‌خورده قدیمی در این حوزه هم توضیح می‌دهد: این کار شدنی است اما باید اختیارش را بدهند و اگر اختیارش را نداشته باشید و هر قسمت از این زنجیره در دست یک دستگاه باشد، به نتیجه نمی‌رسد ولی اگر این اختیارات یک‌جا جمع شود و یک مرکز فرماندهی بتواند برای کل زنجیره آسیب برنامه‌ریزی کند، به نتیجه خواهد رسید. نمی‌خواهیم امر و نهی کنیم و می‌خواهیم طبق یک نظام کارشناسی از صفر تا صد زنجیره کاهش آسیب را ببینیم. هر بار که می‌خواهد این اتفاق بیفتد، در یکی از حلقه‌های زنجیره خللی پیش می‌آید و مانع اجرا می‌شود، این در حالی است که زیرساخت را فراهم کردیم. شهرداری سخت‌ترین کارهایش را انجام داده است.

ناصر امانی عضو شورای شهر تهران از منتقدان این درخواست شهردار تهران از دولت است. او درباره درخواست شهرداری از دولت برای قبول مسئولیت در حوزه کودکان کار، جمع‌آوری معتادان متجاهر و متکدیان در شهر تهران می‌گوید: زمانی که آقای زاکانی تازه به شهرداری تهران آمده بودند، اعلام کردند که دوماهه کارتن‌خواب‌ها و معتادان متجاهر را از سطح شهر جمع‌آوری می‌کنیم که عملا اتفاق نیفتاد. ما همان زمان می‌دانستیم که چنین اتفاقی می‌افتد که اعتراض می‌کردیم و می‌گفتیم که این حوزه‌ها وظیفه اصلی شهرداری تهران نیست و چندین دستگاه و سازمان در این زمینه مسئولیت دارند. جالب است که اخیرا دیدم وزیر رفاه اعلام کرده که سازمان بهزیستی در زمینه کودکان کار مسئولیت ندارد، درحالی‌که قانون مصوب داریم که مسئولیت اصلی با سازمان بهزیستی است و شهرداری و برخی سازمان‌های دیگر هم در این زمینه مسئولیت دارند ولی به‌هیچ‌عنوان مسئولیت اصلی با شهرداری نیست. او ادامه می‌دهد: اگر در این حوزه‌ها در کنار مسئولیت، بودجه، ساختار و اختیارات کامل به شهرداری تهران داده شود، می‌توان امیدوار بود که نتیجه‌بخش باشد. آسیب‌های اجتماعی مشکلی است که همه مردم با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و از آن ناراحت هستند و ما هم به‌عنوان عضو شورای شهر تلاش می‌کنیم این مشکلات برطرف شود اما شهرداری نمی‌تواند به‌تنهایی وارد این میدان شود. بسیاری از کودکان کار اتباع بیگانه هستند، در صورت جمع‌آوری هم دوباره به سطح شهر بازمی‌گردند و باید به‌صورت ریشه‌ای و فرایندی این مشکلات برطرف شود. برخی از فعالان حوزه اجتماعی هم رویکردهای شهرداری در دو سال گذشته در این حوزه را مورد نقد قرار داده و معتقدند فعالیت‌های شهرداری در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی چندان مؤثر نبوده است.

سپیده علیزاده از فعالان حوزه آسیب‌های اجتماعی به سایت خبری فراز در واکنش به خبر انتصاب احتمالی علیرضا زاکانی به دستیاری ویژه رئیس‌جمهوری درباره کودکان کار و معتادان متجاهر گفته است: هر معتاد کارتن‌خوابی شاید در لحظه اعمال زور و در آن موقعیت، توان دفاع‌کردن نداشته باشد اما در نهایت چیزی عوض نمی‌شود. بعد از اینکه به‌عنوان معتاد متجاهر به کمپ ماده ۱۶ برود و حتی شش ماه یا یک سال هم آنجا بماند، وقتی بیرون بیاید با شدت بیشتر به‌اصطلاح «تهِ خطی» می‌شود و آسیب می‌بیند. چون تحقیر و زوری که برای رساندن معتادان متجاهر به کمپ ماده ۱۶، خلاف تمایل خودشان اعمال شده جواب معکوس می‌دهد. معضل اعتیاد و کارتن‌خوابی شهروندان روز به روز تعداد بیشتری از قشر جوان‌تر را درگیر می‌کند، اما مسئولان شهری تصمیمی برای پیاده‌سازی ایده‌های کارآمد ندارند.

به گفته او اتوبان‌های تهران به پاتوق تبدیل شده‌اند. در واقع تقریبا شهر تهران در حال تبدیل به پاتوق است. قبلا اگر پاتوق‌ها در مناطق جنوبی و بی‌دفاع شهری بودند، امروز پاتوق‌ها به شمال شهر منتقل شده‌اند. هنوز مهر ریاست آقای زاکانی در شهرداری تهران خشک نشده بود که پاتوق دره فرحزاد را با بگیروببند و با فیلم‌برداری و عکاسی نمایشی نابود کردند. با افتخار اعلام کردند که این پاتوق را بستند و ۸۰ درصد پاتوق دره فرحزاد را به مردم این محله بازگرداندند. نتیجه چه شد؟ پاتوق عوض شد و به اتوبان امام علی(ع) نقل مکان کردند. امروز در تمام پارک جنگلی لویزان دیده می‌شوند. یعنی اگر قبلا در دره بودند و کسی آنها را نمی‌دید، امروز در نوک کوه مستقر شده‌اند و همه می‌بینند و کسی نمی‌تواند بگوید بالای چشم‌شان ابروست!

هنوز حکم شهردار تهران به‌عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور آسیب‌های اجتماعی امضا نشده است و باید دید این تجربه در شهرداری تکرار می‌شود یا خیر؟

در نشست ایران و چالش‌های توسعه پایدار چه گذشت؟

لایحه قانون برنامه هفتم توسعه ضمانت اجرائی ندارد

هانیه باقرزاده: لایحه قانون برنامه هفتم توسعه در نشستی از سلسله گفت‌وگوهای ایران و چالش‌های توسعه پایدار به میزبانی دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی در تاریخ ۲۰ تیر بررسی و نقد شد. محور اصلی این گردهمایی نقد بر چالش‌های لایحه برنامه هفتم توسعه بود که با حضور سخنرانانی چون محمد درویش، مسعود امیرزاده، هادی کیادلیری، الهام فریدونی، حنیف‌رضا گلزار و رحیم ملک‌نیا شکل گرفت. لایحه برنامه هفتم توسعه برای سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۶ تدوین شده که دارای ۲۲ فصل و هفت بخش است. این لایحه که پیش‌نویس آن روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت از سوی دولت منتشر شد، شامل بخش‌های اقتصادی، زیربنای علمی، فناوری و آموزشی، دفاعی و امنیتی و اداری، حقوقی و قضائی است. این در حالی است که با وجود موضوعات حساس و گسترده‌ای در حوزه محیط زیست و اقلیم، این برنامه سرفصلی با این موضوعات ندارد و در مواد ۳۰۲گانه آن هم عنوانی درباره محیط زیست دیده نمی‌شود. این موضوع سبب نگرانی فعالان و کنشگران محیط زیست درباره تصویب و اجراشدن این لایحه برنامه توسعه هفتم شد. نظر کنشگران محیط زیست بر این است که در این برنامه توسعه، مراقبت از محیط زیست ایران فراموش شده و ماده‌ها و بندهای این لایحه با محیط زیست ایران همخوانی ندارد. فعالان و کنشگران محیط زیست در این نشست تلاش داشتند آسیب‌های جدی وارده پس از تصویب این لایحه را بیان کنند، هدف آن است که بتوانند ماده‌ها و بندهایی از این لایحه توسعه هفتم را حذف کنند یا تغییر دهند.

چالش‌های لایحه برنامه هفتم توسعه

محمد دوریش، کنشگر محیط زیست، با اشاره به چالش‌های برنامه توسعه گفت: برنامه هفتم یکی از ضعیف‌ترین برنامه‌های محیط زیست است و اگر این برنامه اجرا شود، نگرانی‌های زیادی در باب محیط زیست ایجاد می‌شود. در بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ میزان فرونشست در بخشی از ایران دو سانتی‌متر به بالاست یعنی پنج برابر شرایط بحرانی و طول سه سال مساحت آن سه برابر مساحت آن افزایش پیدا کرده و از ۱۱ هکتار به بیش از سه برابر افزایش پیدا کرده است. و شتاب فرونشست در ایران وحشتناک است که اگر در مناطقی اتفاق بیفتد تا ۵۰ سال دیگر امکان برنامه‌ریزی وجود ندارد و بخشی از زمین‌های ایران را بر اثر شتاب فرونشست زمین از دست می‌دهیم که به این اتفاقات در برنامه هفتم هیچ اشاره‌ای نشده است. هادی کیادلیری، کنشگر محیط زیست و منابع طبیعی، سخنران دیگر این مراسم، در ادامه چالش‌های برنامه هفتم گفت: «می‌توان گفت که ۸۰ تا ۹۰ درصد مسائل کشور، مسئله محیط زیست است که مردم بسیار به خوبی آن را درک کردند، مسئله آب، گردو غبار و نابودی جنگل‌ها که مسئله‌محور هستند، اما این مسائل از برنامه برنامه‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی حذف شده است، حتی بسیاری از این برنامه‌ها با سیاست‌های کلی هماهنگی ندارد. سیاست کلی منابع طبیعی از لایحه توسعه کامل‌تر است و برنامه‌های برای محیط زیست ایران طرح شده که حتی در لایحه هفتم بیان نشده. در بخش جنگل‌ها، ۱۶ سال اخیر که آمارها را سازمان‌های رسمی منتشر کردند در روز سطح جنگل و مزارع کشاورزی ۵۰۰ هکتار کم شده است، در این بازه بسیاری از زمین‌های تغییر کاربری داشته‌اند و اراضی کشاورزی افزایش یافته است». همچنین الهام فریدونی، کنشگر محیط زیست و کارشناس ارزیابی و آمایش سرزمین گفت: بزرگ‌ترین بحران کشور ما، بحران محیط زیست است. جنگل‌های شمال ایران نصف شدند و زاگرس به حداقل ۱۰ دلیل دچار زوال شده بدون آنکه سازمان منابع طبیعی هیچ برنامه‌ای برای احیای این جنگل‌ها داشته باشد. برنامه توسعه هفتم چالش‌برانگیز است به این دلیل که تمام این مشکلات بدیهی و بحران‌های فعلی را که رأس مشکلات هستند ندیده است بلکه فصلی به نام منابع طبیعی محیط زیست حذف شد با وجود اینکه در برنامه‌های پیشین وجود داشت.

الهام فریدونی در باب توسعه در محیط زیست ایران می‌گوید: توسعه که خارج از ریل اصلی که دهه‌ها در این کشور بود عوامل اصلی تخریب منابع طبیعی و محیط زیست ماست. صنایع را به استان‌های مرکزی بردند و بعد اینکه متوجه شدند این صنایع آب‌بر هستند راه‌حل را در لوله‌کشی کشور دیدند. این تخریب و نابودی سرزمین بود که به نام توسعه در کشور ما رخ می‌دهد. رحیم ملک‌نیا، کنشگر محیط زیست، در مصداق‌های چالش‌برانگیزی این لایحه می‌گوید: لایحه هفتم توسعه در مقایسه با لایحه‌های سوم و چهارم و حتی ششم، در حوزه منابع طبیعی این برنامه عقب‌گرد بزرگی دارد. درحالی‌که بخش وسیعی از کشور ما به دلیل مسئله محیط‌زیستی با چالش مواجه است، با توجه کمتری به آن بخش مواجه هستیم. وقتی که چالش‌های اصلی که محیط زیست است، نادیده گرفته می‌شود و برای رفع آن برنامه‌ریزی نمی‌شود و در کنار با ایجاد برنامه‌ریزی‌ها این چالش‌ها را تشدید می‌کنیم و اتفاقی که رخ می‌دهد فراتر از محیط زیست، امنیت غذایی و آب است و ممکن که به بحران امنیت ملی تبدیل شود و پهنه وسیعی از کشور بر اثر خشک‌سالی و فرونشست زمین خالی از سکنه شود که در این برنامه نادیده گرفته شده‌اند.

مسعود امیرزاده، کنشگر محیط زیست، در ارتباط با عوارض برنامه بر کشور می‌گوید: آنچه ما نگرانش هستیم این است که این برنامه‌ها هرکدام عوارضی داشتند، که این عوارض بر سرزمین باقی می‌ماند؛ ازاین‌رو در برنامه سوم تا ششم که نظام برنامه داشتیم، از لحاظ شاخص‌های محیط‌زیستی ۸۳ درصد افت داشتیم. پس باید یک مطالعه صورت بگیرد تا چه نسبتی بین این دو وجود داشته که تا این اندازه شاخص‌های محیط‌زیستی ما دچار افت کیفیت شده است. رخدادهای توسعه در محیط زیست، اتفاقاتی چون سدسازی، معدن‌سازی و راهسازی افسارگسیخته است، بدون اینکه حقوق مردم، منابع طبیعی و محیط زیست رعایت شود. حتی با نادیده‌گرفتن و بی‌احترامی به سازمان‌های مربوط به محیط زیست، به نوعی این سازمان‌ها دچار انفعال شدند. همگی از عواملی است که باعث آسیب‌های زیان‌باری به منابع طبیعی کشور وارد شده است. ابتدا باید توانش سرزمین را بسنجیم، بعد بایستگی‌ها به آن تحمیل کرد که در این برنامه به اشاره نشده. این برنامه در مراحل طراحی و اجرائی ضعف بسیاری دارد. حنیف‌رضا گلزار، کارشناس و کنشگر محیط زیست و از مخالفان جدی ساخت پتروشیمی میانکاله، در ادامه این نشست تصریح کرد: این لایحه در نظر من یک چالش و حتی بحران نیست، بلکه آن را یک انحراف می‌دانم. این برنامه یک انحراف به‌خصوص در حوزه آبی کشور است. انتقاد که بر فصل مدیریت آب و امنیت و ارتقای محصولات کشاورزی وجود دارد، مسئله غیرکارشناسی بودن آن است و در بسیاری از بندهای برنامه ضمانت اجرائی وجود ندارد. در بند «ب» ماده «۴۰» نوشته شده، مصرف آب شرب برای مصرف فضای سبز ممنوع است، بله این یک پیشنهاد خوب و منطقی است اما سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که با کدام ضمانت اجرائی و کدام زیرساخت؟ آیا ما زیرساخت‌های مناسب لازم از پساب به عنوان آب خاکستری برای فضای سبز را داریم؟ یکی از مسائل مهم در بندهای این لایحه، تکراری‌بودن است که چه ضرورتی دارد موارد تکراری در متن لایحه بیاید که قرار است قانون اساسی بخش اجرائی کشور در بازه زمانی پنج‌ساله شود».

گفت‌وگو

سهم آسیب‌های اجتماعی از دخل پایتخت

بهروز شیخ‌رودی؛ معاون پیشین محاسبات و پایش عملکرد شورای شهر تهران به «شرق» گفت: در یک دهه گذشته شهرداری تهران رقمی بالغ بر سه هزار میلیارد تومان برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران هزینه کرده است، هزینه‌هایی که عمده آنها را در مرور بودجه سالانه شهرداری تهران در قالب ردیف‌های اعتباری «ساماندهی افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی»، «توسعه و تجهیز مراکز خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان اجتماعی (مانند گرمخانه‌ها، مددسراها و...)»، «هزینه مدیریت و راهبری سازمان رفاه و خدمات اجتماعی» ملاحظه کرد و با توجه به اینکه منابع شهرداری از محل عوارض و بهای خدمات پرداختی شهروندان تهرانی تأمین می‌شود، باید گفت شهروندان تهرانی در یک دهه گذشته سه هزار میلیارد تومان منابع برای هزینه‌کرد شهرداری در حوزه آسیب‌های اجتماعی تأمین و پرداخت کرده‌اند؛ هزینه‌ای که درباره کارآمدی و اثربخشی چگونه هزینه‌کردن آن در ادوار چهارم، پنجم و ششم مدیریت شهری هیچ قضاوت‌کننده‌ای بهتر از مردم تهران نیستند و این مردم تهران هستند که باید ببینیم اول از هزینه این رقم برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی رضایت دارند؟ و دوم آنکه آیا هزینه‌کرد این رقم توسط شهرداری را کارآمد و مؤثر ارزیابی می‌کنند یا خیر؟ به‌هرحال شهرداری از سال ۱۳۹۰ تاکنون به‌طور متوسط سالانه رقمی حدود ۳۱۲ میلیارد تومان برای حوزه آسیب‌های اجتماعی هزینه کرده است و کار مقابله با آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران امر تازه‌ای نیست که یکی بیاید بگوید تا پایان سال گدایی را در تهران جمع می‌کند یا یکی دیگر بیایید بگوید تا دو ماه آینده معتاد متجاهر را در تهران نخواهیم دید! به‌هرحال این حرف‌ها یک دهه است روی دست مردم تهران خرج می‌گذارد و شهروندان تهرانی منابع مالی اجرای این وعده‌ها را با پرداخت بهای خدمات و عوارض تأمین می‌کنند. شیخ‌رودی در ادامه با اشاره به ماده ۵۵ قانون شهرداری افزود: مطابق بند ۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها وظیفه «جلوگیری از گدایی و جمع‌آوری متکدیان و اعزام آنها به سازمان‌های اردوی کار» و «جمع‌آوری و نگاهداری اطفال سرراهی» بر عهده شهرداری است؛ وظایفی که البته امروز ما چندان شاهد اجراشدن آن در قبال متکدیان از سوی شهرداری‌ها نیستیم و وظیفه جمع‌آوری و نگهداری اطفال سرراهی هم بر اساس قانون توسط سازمان بهزیستی انجام می‌شود و دیگر از وظایف شهرداری به شمار نمی‌رود، همچنین بر اساس بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها شاهد آن هستیم که قانون‌گذار «اجرای تبصره ۱ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری و تأسیس مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و تعاونی مانند بنگاه حمایت مادران و نوانخانه و پرورشگاه و درمانگاه و بیمارستان و شیرخوارگاه و تیمارستان و کتابخانه و کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی و کودکستان و باغ کودکان و امثال آن در حدود اعتبارات مصوب اس و همچنین کمکی به این قبیل مؤسسات و مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی و پیش‌آهنگی و کمک به انجمن‌های خانه و مدرسه و اردوی کار» را مورد توجه قرار داده است و تأکید کرده «شهرداری در این قبیل موارد و همچنین در مورد موزه‌ها و خانه‌های فرهنگی و زندان با تصویب انجمن شهر از اراضی و ابنیه متعلق به خود با حفظ مالکیت به رایگان یا با شرایط معین به‌منظور ساختمان و استفاده در اختیار مؤسسات مربوطه خواهد گذاشت». بر اساس این دو بند از وظایف قانونی شهرداری‌ها ما شاهد آن هستیم که شهرداری وظیفه جلوگیری و جمع‌آوری متکدیان را بر عهده دارد و در مورد مسائلی مانند آسیب‌های اجتماعی و... وظیفه قانونی مستقیمی بر عهده شهرداری قرار ندارد و در این موارد بر اساس بند ۶ ماده ۵۵ شهرداری کمک و مساعدت مالی و در اختیار قراردادن بنا و اماکن را برای حمایت از اجرای کار توسط مؤسسات مردمی و عام‌المنفعه باید در دستور کار قرار بدهد اما در یک دهه گذشته ما شاهد آن هستیم که شهرداری دست به توسعه ساختار تشکیلاتی و ایجاد سازمان رفاه و مشارکت‌های اجتماعی زده است و با ولعی تصدی‌گرایانه زیرساخت ایجاد و بهره‌برداری از این زیرساخت‌ها را خود رأسا به دست گرفته است، حتی ما شاهد آن هستیم که شهرداری نسبت به بازپس‌گیری برخی بناهای خود در محله هرندی از مؤسسات مردمی و تشکل‌های مردم‌نهادی که سال‌ها به آسیب‌دیدگان اجتماعی خدمت‌رسانی می‌کردند، دست زده است و با عقب‌راندن تلاش‌های مردم‌نهاد به دنبال توسعه تصدی‌گری خود است، در این شرایط مدیریت شهری باید پاسخ‌گوی این مسئله باشد که آیا این اقدامات و فعالیت‌ها در چارچوب قانون و وظایف شهرداری به شمار می‌رود؟! آیا شورای شهر با تصویب مقرره و مصوبه زمینه اجرای قانونی این اقدامات را فراهم کرده است یا پسند شخصی و وعده‌های شهردار تهران تعیین‌کننده این جهت‌گیری‌ها به شمار می‌رود؟ به‌هرحال قانون و وظایف قانونی شهرداری مشخص است و تطبیق آنچه امروز شهرداری انجام می‌دهد نیز با قانون و مصوبات شورا کار سختی نیست و به راحتی می‌توان رویکردهای تصدی‌گرایانه را که مبتنی بر نگاه‌های شخصی مدیران است، از اجرای قانون تشخیص داد.

خبر

روایتی از نمایشگاه نقاشی کودکان مناطق حاشیه با نام صدای پای رنگ

دستان کوچکی که معجزه می‌کند

شرق: هرکدام رؤیایی را روی بوم نقاشی به تصویر کشیدند؛ یکی صلح را و دیگری تمام امیدهای کوچک و بزرگش را برای زندگی. هرکدام صدایی را به تصویر کشیدند که شاید هرگز شنیده نشده باشد. آنها کودکان حاشیه هستند؛ کودکانی که در محرومیت حق تحصیل، برای دانستن و خواستن حق زندگی جنگیدند و بخشی از ثمره آن همه تلاش، تصاویر روی دیوار نمایشگاه «صدای پای رنگ» شده است. این چند هنرمند کوچک، ساکن حاشیه‌ای‌ترین بخش شهر هستند؛ جایی که خانه‌هایش با چند تکه چوب و سنگ و گاه کیسه‌های پلاستیکی، روی هم سوار می‌شود؛ جایی که سرویس بهداشتی و حمام به آن شکل مرسوم شهری وجود ندارد و فقر با بی‌رحمی همه آنها را در سیطره خود گرفته است. اما در سال‌های حضور فعالان اجتماعی و دانشجوهای دغدغه‌مند در این منطقه، حالا بیشتر این کودکان فارغ از شرایط زیسته خود، کتاب می‌خوانند، داستان می‌نویسند و گاهی هم شعر می‌گویند. بعضی از آنها عکاسی می‌کنند و روزمره آدم‌های حاشیه را به تصویر می‌کشند. آنها اعجوبه‌های کوچک با ذهن‌های بزرگی هستند که جامعه کمتر نگاهی به آنها انداخته. این بچه‌های نوجوان شاید ناجیان صلحی برای آینده باشند. چند فعال اجتماعی جوان که سال‌های بسیاری است در این منطقه پابه‌پای این کودکان پیش رفته‌اند، عزم‌شان را برای برگزاری نمایشگاه آثار کودکان جزم کردند. آنها در مدت چند ماه در کلاس‌های مددکاری با پخش موزیک‌های بی‌کلام سعی بر برون‌ریزی کودکان و خلق تصاویری روی کاغذ داشتند. تصاویری مملو از احساس غم، شادی، ترس یا ناامیدی که هرکدام نشان‌دهنده درونیات این کودکان بوده. زهرا پیمان، یکی از برگزارکنندگان این نمایشگاه و از فعالان جوان مناطق حاشیه شهر ری این‌طور روایت می‌کند که: «در این نمایشگاه آثار دخترانی به نمایش گذاشته شد که دچار آسیب‌های اجتماعی مثل کار کودک هستند. خلق این آثار به دست بچه‌ها از کلاسی مرتبط با مددکاری شروع شده که با موسیقی برون‌ریزی‌های کافی را داشته باشند و همان بهانه‌ای برای صحبت‌کردن درباره احساسات، مسائل و روحیات‌شان بود. ما موزیک‌های بی‌کلام خاصی را انتخاب می‌کردیم که معمولا اوج و فرود داشته باشد، بعد دور هم می‌نشستیم، چشمان‌مان را می‌بستیم و بچه‌ها در ذهن‌شان تصوراتی را خلق می‌کردند. وقتی موزیک تمام می‌شد، از بچه‌ها می‌پرسیدم چه حسی دارند. بچه‌ها شروع به حرف‌زدن می‌کردند و از بین همان حرف‌ها کم‌کم احساسات‌شان بروز پیدا می‌کرد. بچه‌ها از احساسات ظرف ذهن بچه‌ها بیرون آمده است». یکی از این دختران نوجوان، دختری را ترسیم کرده که تنهایی در کنار دریا نشسته است، با لبخند شعری کوتاه از تنهایی و دریا می‌خواند، می‌گوید بعد از آنکه نقاشی را کشیدم، این شعر را برای نقاشی‌ام گفتم. قبل از کشیدن این نقاشی موسیقی را گوش می‌دادم و در ذهنم به دختری فکر می‌کردم که تنها کنار دریا نشسته است. بعد هر چیز را که فکر کرده بودم، روی کاغذ کشیدم و این تصویر شد.